



از امام باقر علیه السلام نقل شده است: روزی حضرت علی علیه السلام با جماعتی به سرزمین کربلا رسید. آنگاه فرمود:

«قُتِلَ فِيهَا مَائَتًا نَبِيًّا وَ مَائَتًا سَيِّطٍ كُلُّهُمْ شُهَدَاءٌ. وَ مَنَاخَ رِكَابٍ وَ مَصَارِعُ عَشَاقٍ شُهَدَاءٌ. لَا يَسْبِقُهُمْ مِنْ كَانُ قَبْلَهُمْ؛ وَ لَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ بَعْدَهُمْ؛

در اینجا دویست پیامبر و دویست نواذ پیامبر به قتل رسیده‌اند که همه آنها شهید هستند. اینجا محل فرود آمدن سواران و قتلگاه عاشقان است، شهیدانی که نه پیشینیان بر آنان سبقت جستند و نه آیندگان.

«بصارالعین فی انصارالحسین، ص ۲۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸»

- مروری بر مباحث جلسه گذشته
- ارزش عمل وابسته به میزان معرفت فرد
- کار عاشقانه جلوتر از کار عاقلانه
- عشق ارزنده و صفات آن
- شهود صحیح و لزوم تطابق آن با عقل و شرع
- رابطه عقل و دل از دو جنبه نفی و اثبات در کلام علوی
- عقل و جنبه اثباتی در مسیر هدایت سالک
 - الإمام علی علیه السلام: قد أحيأ عقلة و أمات نفسه، حتى دق جليله، و لطف غليظه، و برق له لامع كثير البرق، فأبان له الطريق، و سلك به السبيل، و تدافعت الأبواب إلى باب السلامة و دار الإقامة، و تبتت رجلاه بطمأنينة بدنه في قرار الأمن و الراحة بما استعمل قلبه و أرضى ربه.
 - همانا خرد خود را زنده گرداند، و نفس خویش را میراند چندانکه اندام درشت او نزار شد و ستبری‌اش زار. نوری سخت رخشان برای او بدرخشید و راه را برای وی روشن گردانید، و او را در راه راست راند، و از دری به دری برد تا به در سلامت کشاند، و خانه اقامت و دو پای او در قرارگاه ایمنی و آسایش استوار گردید به آرامشی که در بدنش پدیدار گردید، بدانچه دل خود را در آن به کار برد، و پروردگار خویش را راضی گرداند.
 - خطبه شماره ۲۲۰ نهج البلاغه
- عقل و جنبه نفی و مانع تراشی در مسیر سالک (خطر عشق و وابستگی‌های دروغین)
 - وَ مَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى بَصْرَهُ وَ أَمْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ وَ يَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ قَدْ حَرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ وَ أَمَاتَتْ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَ وَلِهَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَ لِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا وَ حَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهَا لَا يَنْزَجِرُ مِنَ اللَّهِ بِزَاجِرٍ وَ لَا يَنْعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ
 - هرکس به چیزی عشق ناروا ورزد، نابینایش می‌کند، و قلبش را بیمار کرده، با چشمی بیمار می‌نگرد، و با گوشی بیمار می‌شنود. خواهش‌های نفس پرده عقلش را دریده، دوستی دنیا دلش را میرانده است، شیفته بی اختیار دنیا و برده آن است و برده کسانی است که چیزی از دنیا در دست دارند. دنیا به هر طرف برگردد او نیز بر می‌گردد، و هرچه هشدارش دهند از خدا نمی‌ترسد. از هیچ پند دهنده‌ای شنوایی ندارد.
 - نهج البلاغه، ص: ۱۶۰، خطبه ۱۰۹
- برتری عقل و خرد و نکوهش جهل و نادانی با توجه به روایتی علوی
 - وَ قَالَ ع الْعُقُولُ أَيْمَةٌ الْأَفْكَارِ وَ الْأَفْكَارُ أَيْمَةٌ الْقُلُوبِ وَ الْقُلُوبُ أَيْمَةٌ الْحَوَاسِ وَ الْحَوَاسُ أَيْمَةٌ الْأَعْضَاءِ



- آن حضرت (علیه السلام) فرموده: عقلها پیشوایان فکرها و اندیشه‌ها است، و فکرها پیشوایان دلها، و دلها پیشوایان حس‌ها (درک کردن و دریافتن) و حس‌ها پیشوایان اعضاء و اندام‌ها می‌باشد.
 - مستدرک نهج البلاغه ص ۱۷۶
 - بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱، ص: ۹۷
- فکر عامل بیداری عقل
 - قال علیّ علیه السلام: نعوذ باللّٰه من سبات العقل و قبح الزلزل.
 - علی علیه السلام فرموده است: پناه میبرم بخداوند از اینکه شرائطی پیش آید که عقل بخواب فرو رود و از راهنمایی و هدایت باز ماند و در نتیجه آدمی بزشت‌ترین لغزشها دچار گردد.
 - نهج البلاغه، فیض، صفحه ۷۰۵
- آقای قاضی به شاگردان خود دستور می دادند این دعا را در قنوت نماز هایشان بخوانند:
 - « اللهم ارزقنی حبّک و حبّ ما تحبه، و حبّ من یحبّک، والعمل الذی یبلغنی الی حبّک واجعل حبّک احبّ الاشیاء الی. »
 - سررشته دولت ای برادر به کف آر *** وین عمر گرنامه به خسران مسپار
 - یعنی همه جا با همه کس در همه جا *** می دار نهفته چشم دل جانب یار
- تفاوت تسلیم و اسلام در کلام قرآنی (آیه ۲۰۸ سوره بقره)
 - یا ایّها الذین آمنوا ادخلوا فی السّلم کافّة و لا تتبعوا خطّوات الشیطان إنّهُ لکم عدوّ مبینٌ
 - ای اهل ایمان ، همه متّفقا در مقام تسلیم خدا در آبیید و از وساوس شیطان پیروی نکنید که او همانا شما را دشمنی آشکار است.
 - اسلام قبل از ایمان یا پس از آن ؟
 - اشاره به معنای لغوی و اصطلاحی و ضوابط معنی کردن کلمات با معنی لغوی یا اصطلاحی
 - کلمات سلم و اسلام و تسلیم هر سه به یک معنا است.
 - کلمه (کافه- همگی) مانند کلمه جمیعا تاکید را افاده می کند.
 - سلمی که مومنین به آن دعوت شده اند عبارت است از تسلیم شدن برای خدا بعد از ایمان به او.
- مقام حب و عشق در ادعیه معصومین علیهم السلام
 - بیان حب و عشق به خداست که در فرازهایی از ادعیه بیان شده است :
 - فرازی از دعای کمیل
 - وَ اجْعَلْ لِسَانِی بِذِکْرِکَ لَهْجاً و قَلْبِی بِحُبِّکَ مُتَمِماً
 - (خدایا)، زبان مرا به ذکر خودت گویا قرار بده و قلب مرا به محبت خود مبارک گردان !
 - در دعای عرفه نیز آغاز محبت به خداوند نسبت داده شده است:
 - اَنْتَ الَّذِیْ اَشْرَقْتَ الْاَنْوَارَ فِی قُلُوبِ اَوْلِیَائِکَ حَتّٰی عَرَفُوکَ وَ وَحَدُّوکَ، وَ اَنْتَ الَّذِیْ اَزَلْتَ الْاَغْبَارَ عَنْ قُلُوبِ اَحِبَّائِکَ حَتّٰی لَمْ یُحِبُّوا سِوَاکَ، وَ لَمْ یَلْجَئُوْا اِلَی غَیْرِکَ.
 - همچنین این بخش از مناجات خمس عشر بیانگر آن است که این خداوند است که ضمیر مومنان را از حب الهی پر ساخته است:
 - وَ مَلَأَتْ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّکَ (مناجات المریدین) .
 - به همین دلیل است که نه تنها نشانند بذر محبت در دل بنده را باید از او خواست:



▪ وَأَعْرِسُ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ (مناجات الزاهدین)

○ بلکه کمال محبت را نیز باید از او خواست:

▪ إِلَهِي أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ مَقَامَ مَنْ رَجَا الزَّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ (مناجات شعبانیه).

▪ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَلْكُ اَنْ تَمْلَأَ قَلْبِيْ حُبًّا لِّكَ (دعای ابو حمزه).

• امام صادق (ع) و تبیین رابطه قلب و حب

○ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ اللَّهُمَّ اَمَلًا قَلْبِيْ حُبًّا لِّكَ وَ خَشِيَّةً مِنْكَ وَ تَصَدِيقًا وَ اِيْمَانًا بِكَ وَ فَرَقًا مِنْكَ وَ شَوْقًا اِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

وَ الْاِكْرَامِ اللَّهُمَّ حَبِّ اِلَيَّ لِقَاءَكَ وَ اجْعَلْ لِيْ فِي لِقَائِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَ الْبَرَكَهَ وَ اَلْحَقْنِيْ بِالصَّالِحِيْنَ

○ از امام صادق (ع)، می گفت: « بار خدایا! دلم را پر از مهر خود کن و از ترس خودت و از تصدیق و ایمان به تو و از بیعت و از اشتیاق درگاهت

یا ذو الجلال و الاکرام، بار خدایا! لقايت را محبوبم ساز و در لقايت خیر و رحمت و برکت برایم مقرر دار و مرا به نیکان ببیوند.

▪ الكافي، ج ۲، ص: ۵۸۷

• رابطه دل و محبت در صحیفه سجادیه دعای نهم:

• وَأَعْمِ اَبْصَارَ قُلُوْبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَ لَا تَجْعَلْ لِيْشِيءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نَفُوْدًا فِيْ مَعْصِيَّتِكَ

○ دیده دلها مان را از آنچه خلاف دوستی تو است کور گردان، و اندامی از اندامهای ما را در معصیت و نافرمانیت فرو مبر (ما را توفیق ده که آنچه

نهی کرده ای در اندیشه نگذرانیم و گرد معاصی نرویم و رضای تو را بدست آوریم

▪ الصحيفة السجادية، ص: ۶۰

• جمع بندی بحث با توجه به کلام امام باقر (ع)

• الكافي عَنِ الْعِدَّةِ عَنِ الْبَرَقِيِّ عَنِ ابْنِ الْعَرَّزَمِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ

يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَّتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَ إِذَا كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَّتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ

يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ

○ جابر جعفی گوید: هر گاه می خواهی بدانی در شما خیری هست به دلت نگاه کن اگر بندگان مطیع خدا را دوست می دارد و معصیت کاران را از

خود طرد می کند در تو خیری وجود دارد و خداوند شما را دوست می دارد.

○ اما از آن طرف اگر مشاهده کردی دلت همواره با معصیت کاران می باشد و به آنها تمایل دارد و با دوستان خدا و اهل طاعت بغض و کینه نموده

و آن ها را دوست نمی دارد، بدان در تو خیری نیست و خداوند دشمن تو می باشد، و آدمی با کسی که دوست دارد محشور است.

• لینک فایل صوتی سخنرانی

• http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.07.25_005.mp3

• فایل ریز موضوعات و خلاصه سخنرانی

• http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.07.25_005.pdf